

اندیشه محافظه کاری را در نظر نمی گیرد. محافظه کاری یک ایدئولوژی منسجم دقیقاً نمره شده نیست. محافظه کاری یک ایدئولوژی چند وجهی و فاقد ثبات مشخص است که در زمان ها و مکان های مختلفه دارای تفاوت های زیادی بوده است. محافظه کاری قرن هجده تا حدی متفاوت از محافظه کاری قرن بیستم است. محافظه کاری در آمریکا و انگلستان متفاوت از معنای محافظه کاری اروپای فرامی است. محافظه کاری کلاسیکی و آمریکایی نیز باهم متفاوتند. حتی در داخل کنسرواتیوزم آمریکایی نیز شاخه ها و مکاتب متعددی از قدیمه محافظه کاری وجود دارند.

به مشکل اصلی از محافظه کاری وجود دارد. یکبار چنگی اعتقاد به اصل اختیار انسانی (لیبر تالیبریزم) و سنت گرایی، این هر سه در یک سلسله پاورها اشتراک دارند. تشکیک سبب به دموکراسی و برابری گرایانه اعتقاد به گناه اولیه، اعتقاد به تغییر تاریخی و بطور به ثبات سیاسی و نظم امایایی. حال تفاوت هایی هم وجود دارد. یکبار چه گرایانه شکل مسلط محافظه کاری در آمریکا است و زمانی به وسیله رونالد ریگان و حزب جمهوری خواه نمایندگی می شد. یکبار چه گرایانه و سیمانتگران دفاع از آزادی های فردی در حوزه اقتصادی است. اما عدم توفیق نیز در یکبار چنگی وجود دارد. آن ای است که در آن امری بر عدم دخالت دولت در امور اقتصادی وجود دارد اما مداخله دولت را در امور اخلاقی جرمه مجاز می دارد. یکبار چه گرایانه، در برخی حوزه های اخلاقی همچون سقط جنین، دعای مدارس و تصاویر مستهجن، مداخله دولت را برای تقویت دیدگاه اخلاقی خاصی درخواست می کند.

دومین نوع محافظه کاری، محافظه کاری اختیاری گرایانه (لیبر تالیبریزم) است. این نوع محافظه کاری به وسیله متفکرانی همچون هایک و میلتون فریدمن نمایندگی می شود و ریشه های آن در سرمایه داری کلاسیک است. محافظه کاران کلاسیک بیشتر علاقه مند به دفاع از سرمایه داری «سفر» هستند تا استفاده از قدرت حکومت برای تقویت اخلاقی بنابر این آن ها بیشتر طرفدار حفظ آزادی های مدنی هستند. اما در عین حال، بیشتر متهم به آن هستند که توجهی به سرنواخت فقر ندارند. شکل دیگر کنسرواتیوزم را می توان «سنت گرایانه» نامید. نوع سنت گرایانه در محافظه کاری اروپایی کلاسیکی، چون امونند بر که دو مایستر و کلوینج ریشه دارد. در آمریکا نفوذ این نگاه عمدتاً در حلقه های ادبی و روشنفکری بوده است و نمایندگان آن کسانی چون تانانیل هارلورن، هرمان ملویل، هرنی و پروکز آدام و محافظه کاران انسان گرایی همچون ایروینگ پلینت و پل لارنر و محافظه کاران جدید پس از جنگ دوم مانند پتر ویک می باشند. امروزه این شعبه از محافظه کاری از طرف جنبش غیر محافظه کار نمایندگان می شود که شخصیت های علمی بازر آن عبارتند از ایروینگ کریستول، دانیل و تانان کلوینج. محافظه کاران سنت گرایانه ارزش های غیر اقتصادی و معنوی تأکید کرده اند. اگر چه آن ها به دفاع از مالکیت خصوصی می پردازند اما در عین حال، بسیاری از آنان منتقد آن چه که آن را مانع گرایانه خشک موجود در سرمایه داری است. می دانند هستند. آن ها سرمایه داری «سفر» را متهم می کنند که مسازنه جرمه های حریص و خود پسند است که در آن مردم فقط از طریق میزان ثروت مادی که به دست می آورند لروایی می شوند و این به ضرر ارزش های اخلاقی ای همچون همدردی، سنت و وظیفه، کمک های اجتماعی، زیبایی شناسی و تقویت ذهن انسانی تمام می شود. محافظه کاران سنتی همچنین به دلیل آن که کمتر متعهد به دفاع از سرمایه داری سفر هستند، به میزان کمتری در برابر مداخلات دولتی دقت نظر به خرج می دهند. مخصوصاً هنگامی که آن ها مداخلات دولتی را برای بهبود شرایط اجتماعی تصویر می کنند. بنابراین آن ها در قیاس با محافظه کاران دیگر، بسیار بیشتر حامی این نظر هستند که دولت متصدی اصلاحات سیاسی - اجتماعی باشد. برای مثال هسولوت تیلور کلوینج «در ابتدای قرن نوزدهم، افزایش درآمد مالیاتی دولت را پیشنهاد می کرد. چیزی ویریکه حامی سر سخت اقدام انسانی (New Deal) بود بسیاری از نوع محافظه کاران دوران جدید نیز از چنین شکلی از دولت ترافه حمایت می کنند و از آن سو از سرمایه داری «سفر» به عنوان نظامی فاقد منزلت انسانی و عدالت اجتماعی اقتصادی کنند. بنابراین، محافظه کاری یک ایدئولوژی یکبار چه و واحد نیست و بخش ها و شاخه های متعددی از محافظه کاری وجود دارد. به علاوه بسیاری از این شاخه ها به گونه ای هستند که می توانند توضیحات بهتری در قیاس با فلسفیری که به عنوان ایدئولوژی های دیگر مطرح می کنند، ارائه دهند. برای مثال مارکسزم، سوسیالیزم و سرمایه داری کلاسیک همه موافقت که تکنولوژی و صنعت مسرهای برای نیل به یک جهان بهترند، گرچه آن ها در مورد این که چه کسی باید مالک ابزار تولید باشد اختلاف دارند.

بنابراین در بحث از محافظه کاری، ما نباید از دیدگاه ۵۰-۶۰ که از نوع مسلک های این ایدئولوژی آنگاه باشیم شاخه های متنوعی از تفکر محافظه کاری وجود دارد فرست به همان سان که شاخه های متعددی از تفکر سوسیالیستی یا مارکسیستی وجود دارد. روشنگری تفکر محافظه کارانه اینرسی، جمهوری در آمریکا یا آن تفکر کنسرواتیو در انگلستان از مابقی آن معنائیست که محافظه کاری در زمان ما فاقد هر گونه نظریه برای توضیح امور است.

توجه: مریم اتابکی
 Jessica Kuper (ed. by). Political Science and political theory. (London and NY: Routledge and Kegan paul, 1987).
 what is conservatism, Humanist sociology.



سنتی در گرایشهای محافظه کاری چهارگانه

در طول تاریخ محافظه کاری، طیف ها و جریان های بی شماری حول این گفتمان شکل گرفته اند. به طوری که می توان محافظه کاری را گرایش و آکنش به مسایل پیش آمده در هر دوره تاریخی دانست. با احتساب این نکته محافظه کاری از یک عینی مشخص پیروی نکرد. دهامت اگر چه یافتن نقاط اشتراک مابین آنها متعنی نیست. مقاله حاضر می گوید تا به برخی از این جریانات اشاره کند.

رودلف فیرهاوس
 دموکریک و محافظه کاری آنگلو ساسکسونی
 به رغم وحدت و ثبات نسبی موجود در ارزش های بنیادین محافظه کاری، اندیشه محافظه کارانه حاوی اختلافاتی جزئی است که خود بر اساس تجربه اجتماعی متفاوت جغرافیای آن در زمان ها و مکان های مختلفه ایجاد شده است. چنین موردی خاصه در آکنش به انقلاب دموکراتیک اواخر قرن نوزدهم به روشنی پیداست. برک به عنوان نقد انقلاب فرانسه نخستین (و در روز گل خود مهم ترین) پانتهونی فلسفه محافظه کاری سیاسی را ارائه کرده به تندی از تفکرهای انتزاعی سیاسی و پایه های قانون اساسی مبتنی بر آن تفکر مها مها سر باز زد. چرا که قدر و اعتبار بیشتر را برای عدالت قیاسی قابل بود که متعلق به نظام ساختارهای اجتماعی و سیاسی را در همساز با قوانین طبیعی و الهی در طول تاریخ می دانند.

تقریبات برک برای محافظه کاران آمریکایی و اروپایی از اهمیتی ویژه برخوردار است. او توت را با فرانسوی تالیسی نسل ها می داند که در دست پیشسازری نقش فرافردی و اقدامات انقلابی توده ها است. برک به تمایز سنت طبیعت و تاریخ اقتصادی نداشت و بر آن بود که احساسات و سنت تنها نیروهای سلطان دهنده زمان حال اند. او از منحنی به منحنی «نشود» جامعه متدین «یاد می کند و انقلاب را به سختی به یادماندگی می گرد.

محافظه کاری مسلح
 کتاب برک با عنوان «تأملاتی بر انقلاب فرانسه» بزرگترین گسترده

در جامعه انسان به چنانچه مخالفان اگر چه در ابتدا او روشنفکر لقب می دهند اما تمایلی این افراد در نظریات برک - بومی ترکیب تجربه سیاسی با ساختار توده و علمای آزادی و هویشاری کامل و رویت کردی شک گرایانه نسبت به نوآوری و آزادسازی یافتند که به طور مستقل از شرایط انسانی می خورد. رد انقلاب توسط ایشان به خلاف آمد وحشت را کویسی نبوده زیرا آن ها نداشت بودند که دیگر فقط مسئله «تعبیر رژیم» مطرح نیست بلکه «فصلاب مطلق» در کار است. اگر چه حتی تنها از سوی بخشی از ملت بی ریخته شوند. آنان انقلاب را «شکستن قرقر داد اجتماعی» تصور و تصویر می کردند که برای با تمام قوانین اجتماعی سرسبز دارد پس «عملیاتی غیر اخلاقی» است. آن ها مخالفت با این مدعی انقلاب را - که بر آن است تمایلی عناصر جامعه و از نو باز بر دزد - تحت عنوان نخطی از قانون و نلودی بنیان جامعه اروپایی فرو پوشانند. اما خود هیچ ایدئولوژی نقیض و بدیل انقلاب و یا هیچ بر نامه مباحثه ای در میان نیابردند. مورد اخیر در حلقه «Emigré» کاتولیک های اریستوکرات فرانسو پدیدار گشته بودند. دموکراسی کاملاً آگاهانه با ذهنیت و قدیمه روشنگری مخالفت می ورزیدند و انقلاب را مفهومی امری معنی فایده ای کردند. در عوض نظم و نسق و افس گرای پلر سلما - یعنی سنت و نظام طبقاتی - را به قضای خالق می بستند و به جای قدیمه انقلابی میلتنورزان را به تبعیت از خرد تاریخی سوق می دادند. به عقیده ایشان، همسکنت قانونمدار که از منطق اجزای شکل دهنده آن پایه گرفته باشد، اندر نداشتن است. شکل آن مواد از تاریخ مردم و حکومت مطلقه ای که از سوی خداوند نشان داده شده پیروی کنند. قواعد نوشته تنها ظاهر پردازی قواعد ناتوشه الهی است. تنها جوامعی ماندگارند که بنیان شان بر پایه مفاهیم مذهبی بنا شده باشد.

به زعم دموکراسی، منطق فردی محکوم به نارسایی و خطاست و فلسفه جزئی پیروی ویرانگر چیززی نیست. از آن رو که حکومت انسانی برای وی نظام مستنی و «طبیعی» حکومت محسوب می شود. جز ادعای این سنت مطلوبی دیگر نمی خواست. هم البته نه به گونه مطلقش بل از سنخی پدر - شاهی و نامتسرکن.

روزنامه

فردوسی

